

دری سازی واژه ها – موانع و مشکلات

فارسی سازی واژه های پشتو در سالهای اخیر یکی از مباحث جنجال بر انگیز و کشمکش ساز در مرز و بوم ما بوده است. هر چند - گاهی در اوج نیاز به وحدت شکننده ملی - اوج می گیرد و سپس فرو می نشیند. دو جبهه و دسته مخالف در برابر هم صف آرایی می کنند. غوغا براه می اندازند. سازماندهی هیاهوهای جاده یی در اطراف این پدیده ممکن است محدوده وسیعی از اهداف و مقاصد درست و غلط را در بر داشته باشد. انگیزه های قوم گرایی و بیشتر از آن تحریکات بیرون مرزی را می توان از مهمترین آنها دانست.

آنچه را نمی باید گفت این است که تند روان دو طرف که آدرس ها و پایگاه های قومی مبتنی بر زبان را وسیله و بلند گویی برای نفاق پراکنی ساخته اند، یا مردم ساده اندیشند و انگیزه داده شده و یا هم انگیزاننده.

کشورهای همسایه که شما بهتر از من از اهداف و مقاصد شان آگاهید و آنها را می شناسید و دیگر بردن نامشان مشمئز کننده و تهوع آور است بی گمان اساسی ترین نقش را در زنده کردن کشمکشهای قومی و زبانی در دهه های گذشته و هم اکنون دارند. همان دستهای خیانت کاری که نخست کابل و سپس همه کشور را ویران و هست و نیست ما را بر باد داد در تداوم آن به شکل دیگر هم چنان دست در کارند.

بی گفت و گو اهداف و مقاصد پیدا و پنهان هنوز هم در امتداد فروش پفک نمکی و دواهای تاریخ گذشته است که از گذشته تثبیت شده و هنوز هم پا برجا است. گاهی نیز خیال تسلط بر این مرز و بوم و یا بر شاهراه ها و بازار های آن از پدیده های مرتبط است.

استفاده از حماقت های پیدا و پنهان و یا مجبوریت های ما هم انگشتان هنرمند و هنرمندی نمی طلبد. خادمان دول بیرونی نیز در کشور ما یکی و دو تا و قابل شمارش سریع نیستند. خوش خدمتی هم قیمت زیادی ندارد. یک ویژه در مقابل چندین خوش خدمتی بهای رایج است که در خیلی از امور معمول و مروج است. به همین جهت روز بروز بر ارزش ویژه در بازار سیاه افزوده می شود تا میزان خوش خدمتی ها بالا و بالاتر برود. گاهی نیز آبخوری پر از کاه و علف و کنجاره هم چاشنی ویژه می شود که دیگر نور علی نور است.

این همان داستان بدون قالب و چوکات و دیرین ثمن بخش و دراهم معدوده است.

در مجال فارسی سازی واژه ها دو جبهه افراطی موافق و مخالف و دو گونه افراط گرایی را می توان مشاهده و برشمرد. دسته اول که سعی دارند لغات پشتو در بین لغات دری مخلوط و مشهود باشند. همه اماکن و ارگان ها در همه مناطق فقط نام پشتو داشته باشند. باید بدانند که این پدیده هیچگاه ارزش مزیدی برای یک زبان بوجود نخواهد آورد. پایداری و دوام و بقاء یک زبان را تضمین نخواهد کرد. بنا براین اگر هم احساساتی که ناشی از این پدیده به سرکها می ریزد، سنگ را به چوب می زند و زینه به آسمان می گذارد واقعی و داخلی باشد، مهندسی شده و انگیزه داده شده نباشد و بیرون مرزی و انگیزاننده شده نباشد، احساسات ساده اندیشانه است. آنچه مایه تقویت و رونق یک زبان می شود، قوت علمی زبان و میزان کارایی آن، پاسخگویی آن به نیاز ها، قواعد و قوانین آن و فراگیر بودن و پدیده هایی از این دست است. اینکه فارسی زبانان چند کلمه را در بین زبان خود مخلوط سازند و یا آنرا از زبان خود بیرون کنند برای زبان دیگر قوت و ارزش و رونق نمی آفریند.

اما افراط گرایی جبهه مقابل نیز در خور توجه است که بجای فارسی سازی یا دری سازی واژه ها به ایرانی سازی واژه ها می پردازند. یعنی هر نامی را که ایرانی ها بر مجموعه نهادند آنها همین نام را بر مجموعه یی مشابه در این خطه می نهند.

آنچه مانع فارسی سازی شده است نفس فارسی سازی نیست بلکه عوامل جانبی دیگری است که مهمترین آنها تقلید های ویران کننده یی است که ترویج دهندگان گاهی با نیت خوب اما تقلید کور و گاهی هم با نیت نادرست و بیشتر به بهای یک ویژه و مجوز مسافرت بدان دست می زنند. این پدیده را باید ایرانی سازی واژه ها نامید تا فارسی یا دری سازی آنها.

این پروسه و روند قبل از آنکه مورد نقد پشتو زبانها قرار گیرد و وسیله ای برای بازی احساسات آنها شود باید مورد سرزنش دری زبانان قرار گیرد. چه آنکه این پدیده در امتداد خوی تقلیدی است که همه اجزاء زندگی ما را در بر گرفته است و خلقی را برپا می دهد. اگر بخواهیم مستقل زیستن را تمرین کنیم باید نخست مستقل فکر کردن را بیاموزیم. کهن جامه خویش بیاراییم و حداقل خود را وابسته به کشورهایایی نسازیم که اگر در زمینه یی قدمی یا قدمهایی از ما پیش اند بیشتر به حکم خیانتهایی پیدا و پنهان خود و عوامل شان در این مرز و بوم تحقق یافته است.

کم کشتند، کم بردند، کم سوختند یاد ما نرفته است. کابل و جنگهایی کابل را فراموش نکرده ایم شعله ور کردن آتش اختلاف در هرات و از رونق انداختن اقتصادی آنرا و تو خود حدیث مفصل بخوان. اگر قرار است ما نامی به دری و یا حتی به فارسی برگردانیم چرا باید دست به تقلید بی چون و چرا بزنیم. اگر توانایی کهن جامه آراستن را نداریم، پس سعی کنیم این سواد و توان را در خود ایجاد کنیم. چرا واژه بی بسازیم هر چند نا رسا، هر چند نادرست اما خود ساخته نه تقلیدی. چرا باید چشمهای بی بصیرت و افکار بی مغز همواره به دهان بیگانه ها دوخته شده باشد.

اما اگر قرار بر چشم بستن و دهان باز کردن است و اگر قرار بر تقلید است پس شروع می کنیم همه اجزا را زیر و رو می کنیم. از این پس فرد اول مملکت خود را مقام معظم رهبری می گوئیم و حکومت ولایتی به پا می کنیم. شورای نگهبان می سازیم.... و حدیث مفصل.

آنوقت همه چیز فارسی می شود. دری زبان نیز بداند که با تبدیل چند کلمه پشتو به ایرانی این زبان نیرو مند نخواهد شد. بلکه خوی و عادت تقلیدی تقویت و پا برجا خواهد ماند.

اما اگر قرار بر دری سازی واژه ها است این پدیده تفکر و کار بیشتری می طلبد و برنامه بی سنجیده شده بی می خواهد و به هیچ وجه نباید وسیله بی برای غوغا گران جاده بی شود که از طرف این کشور و آن کشور جهت داده می شوند.

پایان